به روایت تاریخ

سوختن دو نفر مرد و یک زن در گلخن حمام!

تلگراف بیرجند حاکی است دو نفر مرد و یك نفر زن كه به‌واسطه بی‌بضاعتی روزها مشغول مزدوری و شب‌ها درگلخن حمام به سر می‌برده‌اند. شب گذشته نزدیك اذان صبح، هیزم‌های جلوی‌گلخن آتش‌گرفته و تا موقعی‌كه به صدای آن‌ها ملتفت شده و می‌رسند، از حرارت آتش بریان و سوخته‌اند، یك نفر مرد تلف شده و یك زن و مرد دیگر سخت مجروح شده‌اند.

روزنامه اطلاعات، سال اول- شماره ۱۳۱- ۲۸دی ۱۳۰۵

خبر

حمله قاتل نامرئی به مسافران «سرشور»



مهدی قرآنی| درپی اعلام حادثه مسمومیت چند نفر با گاز سمی منوکسیدکربن دریک خانه‌مسافر، بلافاصله نیروهای امدادونجات آتش‌نشانی مشهد در محل حاضر شدند.

به‌گفته مدیر منطقه ثامن آتش‌نشانی مشهد، این حادثه صبح دیروز در هسته مرکزی شهر رخ داد که آتش‌نشانان ایستگاه۳۲ به محل اعلامی اعزام شدند.

آتشپاد دوم حسین صالح بیان کرد: با حضور آتش‌نشانان در محل و انجام بررسی‌های اولیه این خانه‌مسافر مشخص شد سیزده نفر از مهمانان این مجموعه اقامتی که اهل زنجان هستند، با علائم تهوع و سرگیجه مسموم شده‌اند که تعدادی از آن‌ها بلافاصله به بیمارستان منتقل شدند. علاوه بر این، آتش‌نشانان در ادامه این عملیات بلافاصله به تخلیه فوری دیگر افراد از این خانه‌مسافر اقدام کردند.

این مقام ایمنی آتش‌نشانی مشهد افزود: در بررسی‌های اولیه مشخص شد که گاز سمی منوکسیدکربن از قسمت موتورخانه و پکیج این مجموعه آغاز شده و به دیگر قسمت‌ها سرایت کرده است.

درحالی‌مأموران ایستگاه۳۲آتش‌نشانی صبح دیروز با ایمن‌سازی میدانی در فضای این مسافرخانه به عملیات خود پایان دادند که چند ساعت قبل نیروهای اطفای حریق ۱۰ ایستگاه آتش‌نشانی در نبرد با حریق مهیب یک کارخانه در خیابان فدک مشهد موفق به مهار کامل آتش شدند.

در این حادثه بخشی از کارخانه ۱۵۰۰ متری به‌دلیل حریق دستگاه پرس آتش گرفت که با سرعت عمل نیروهای اطفای حریق، آتش‌سوزی به‌صورت کامل مهار شد. این حادثه خسارت جانی درپی نداشت.

روی خط حادثه

شهادت ۲ پلیس در «بمپور»



ایرنا| فرمانده انتظامی استان سیستان‌وبلوچستان از حمله اشرار مسلح به گشت انتظامی بمپور در بامداد دیروز خبر داد. سردار محمد قنبری در تشریح جزئیات این حادثه تلخ گفت: ساعت ۲ بامداد روز گذشته عوامل گشتی کلانتری مرکزی شهرستان بمپور حین اجرای مأموریت گشت‌زنی وتأمین امنیت درورودی شهر، هدف حمله اشرار مسلح قرار گرفتند. این مقام انتظامی استان سیستان‌وبلوچستان افزود: متهمان پس از درگیری بلافاصله از محل متواری شدند. در این درگیری، سرگرد مختار مؤمنی وستوان سوم ابوذر امیدوار به درجه رفیع شهادت نائل شدند. سردار قنبری ادامه داد: همچنین، استواریکم میلاد عبداللهی در این عملیات مجروح شد که به بیمارستان انتقال یافت. با تشکیل گروه ویژه از کارآگاهان پلیس، تحقیقات شناسایی ودستگیری این اشرار آغاز شده است.

واژگونی کشتی تانزانیایی در بندر پارس

ایسنا| رئیس ایمنی، بهداشت، محیط زیست، پدافند غیرعامل ومدیریت بحران منطقه ویژه پارس، از حادثه واژگونی کشتی تانزانیایی دربندرخدماتی پارس خبر داد. ابراهیم غریبی در توضیح جزئیات این خبر گفت: صبح دیروز کشتی آنیل متعلق به کشور تانزانیا در اسکله شماره۹ بندر پارس حین بارگیری ۹۱ کانتینر ۲۷تنی به‌دلیل چیدمان غلط کانتینرها حادثه دید وواژگون شد. وی افزود: دردقایق اولیه این حادثه نیروهای امدادی وآتش‌نشانی منطقه ویژه پارس در محل اسکله۹ حاضر شدند وخدمه کشتی حادثه‌دیده رانجات دادند. همه خدمه در سلامت کامل بودند وبه‌محل امن منتقل واسکان داده شدند. تحقیقات درباره این پرونده آغاز شده است.

توقیف محموله سلاح‌های جنگی در مرز

صداوسیما| عوامل انتظامی استان کرمانشاه در عملیاتی اطلاعاتی یک محموله سلاح جنگی را کشف و ضبط کردند. فرمانده مرزبانی استان کرمانشاه درباره جزئیات این عملیات گفت: مرزبانان این استان درراستای مقابله جدی باقاچاقچیان سلاح ومهمات دردی‌ماه امسال باهدایت وبرنامه‌ریزی‌های انجام‌شده درمناطق مرزی، به‌اطلاعاتی دست یافتند که‌نشان‌دهنده‌انتقال محموله‌های سلاح جنگی به‌داخل کشور بود. سردار کیاست سپهری بیان کرد: دراین مأموریت‌ها، مرزبانان استان ۱۰۸ قبضه سلاح جنگی، ۲هزارو۵۶۳فشنگ و ۱۶۱خشاب جنگی راکشف وضبط کردند. دراین راستا، تعدادی قاچاقچی دستگیر شدند وتحقیقات دراین‌باره ادامه دارد.

واکاوی گزارشی تکان‌دهنده از یک کودک‌آزاری که ۱۷سال ادامه داشت

چرا از افشاگری می‌ترسیم؟

لیلا کوچک‌زاده

گزارش

هنوز نمی‌شود برایشان خوش حال بود و خیالمان راحت که در امان هستند؛ برای مادر و دو فرزندش که نزدیک به هفده‌سال از پدر خانواده آزار و آسیب دیده‌اند و باید گفت که تا حد جنون کتک خورده‌اند! به‌طوری که کلیه یکی از دخترها دچار مشکل است و دختر دیگر هم بسیار عصبی و پرخاشجوست. مادر خانواده هم به‌علت آسیب به کمر دیگر نمی‌تواند از طریق قرآن و نمازخواندن برای اموات، چرخ زندگی‌شان را بچرخاند. تنهادل‌خوشی آن‌ها انتقال پدر خانواده به مرکز روانی است؛ گرچه کابوسشان هم بازگشت اوست. سؤال اینجاست که چرا این همه سال صدایشان درنیامده است و سکوت کرده‌اند. خودشان می‌گویند ترس. اما ترس تا کجا! نهادهای حمایتی کجای این ماجرا ایستاده بوده‌اند و چه کرده‌اند؟ آیا مجازات‌های بازدارنده کافی بوده است؟

در این گزارش در گفت‌وگو با خانواده آسیب‌دیده، یک جامعه‌شناس و وکیل به این سؤال‌ها پاسخ داده‌ایم.

دختران من پر از حرف‌های نگفته هستند!

سال ۱۳۹۷، وقتی پدر خانواده که احتمالا این‌بار به جنون رسیده بود، قصد خفه کردن همسرش با روسری را داشت. اورژانس ۱۲۳ که سرانجام توانسته بود با این خانواده ارتباط بگیرد، سر رسید و سرانجام کابوس شکنجه‌های هفده‌ساله مادر و دخترها به پایان رسید. تشخیص این بود که مرد خانواده بیماری اسکیزوافکتیو دارد و باید به مرکز نگهداری از بیماران روانی مزمن منتقل شود. حالا چهارسال از انتقال پدر خانواده به این مرکز می‌گذرد. در تماسی که با همسرش داریم، می‌شنویم که آن مرکز قصد مرخص کردن او را دارد و تشخیصشان این است که حالش بهبود یافته است. این درحالی است که احتمال بازگشت پدر خانواده استرس زیادی به خانواده‌اش وارد کرده است.

مادر بچه‌ها که البته از همسرش متارکه کرده است، می‌گوید: «بزرگ‌ترین نعمتی که اکنون داریم، آرامش است و بزرگ‌ترین ترسمان برگشتن پدر بچه‌ها.»

او می‌گوید: «همسرم با زورگویی‌های زیادش و آزارهای جسمی، از من و دخترها آدم‌های بی‌اراده‌ای ساخته بود و فکر می‌کردیم باید اوضاع را تحمل کنیم و زندگی همین است. شاید کسی این را باور نکند، اما در گوشی تلفن شنود گذاشته بود و امکان تماس با جایی نداشتیم. از طرفی با همسایه‌ها و فامیل رفت‌وآمدی نداشتیم و اصلا کسی جرئت نمی‌کرد به ما نزدیک شود و به سمتمان بیاید. حتی مدیران مدرسه هم از پدر بچه‌ها وحشت داشتند.»

او ادامه می‌دهد: «دخترهای من پر از حرف‌های نگفته هستند و به روان‌کاو نیاز دارند. سیستم ایمنی بدنشان در همه سال‌ها به‌علت اینکه پدرشان مخارج را تأمین نمی‌کرد و برای تهیه خوردوخوراک مشکل داشتیم، ضعیف شده است و دائم بیمار می‌شوند. کلیه یکی از دخترها به‌علت کتک‌هایی که خورده، به‌شدت آسیب دیده است و دختر دیگرم هم بسیار عصبی و پرخاشجوست.»

وقتی ترس به پذیرش تبدیل می‌شود!

حسین اکبری، عضو هیئت‌علمی گروه جامعه‌شناسی دانشگاه فردوسی مشهد، ترس را یک عنصر مهم اجتماعی می‌داند که نقش تنظیم‌کنندگی در اجتماع دارد. او می‌گوید: «قدری از ترس در هر جامعه‌ای هست و باید وجود داشته باشد؛ ترس از دولت، قانون و مجازات. این میزان ترس بین افراد خانواده هم باید وجود داشته باشد و طبیعی است، اما وقتی این ترس با اعمال خشونت همراه شود، نظام سلطه پدید می‌آید و ابزاری برای فشار بر دیگران می‌شود. آن‌گاه از ابزار تنظیم‌کنندگی روابط اجتماعی به ابزار سلطه و کنترلگری تبدیل می‌شود.»

این جامعه‌شناس ادامه می‌دهد: «مسئله دیگر این است که وقتی این ترس ادامه پیدا می‌کند، افراد زیر سلطه آن را می‌پذیرند و حتی در برابر اعمال آن، سکوت می‌کنند و تحمل. البته پذیرش سلطه به ویژگی‌های شخصیتی افراد مربوط است، اما مهم‌تر از آن بحث حمایت‌های اجتماعی و نهادی است. یعنی افراد زیر سلطه نگران این هستند که اگر دست به افشا بزنند و در برابر فشار مقاومت کنند، آیا جامعه هم از آن‌ها حمایت خواهد کرد؟ آیا اصلا نهادهای حاکمیتی توان حمایت از آن‌ها را دارند، یا با افشاگری، وضعیتشان بدتر خواهد شد؟ این خانواده نیز حتما فکر کرده‌اند که اگر بخواهند اقدامی انجام دهند، از این چاه درمی‌آیند و به چاه عمیق‌تری می‌افتند. بنابراین با محاسبه هزینه-فایده می‌بینند پذیرش این وضعیت و تحمل آن حتی در طول سال‌ها برایشان سودمندتر است!»

اکبری تأکید می‌کند: «اگر در جامعه ما چنین اتفاق‌هایی وجود دارد و تکرار می‌شود، نشان از ضعف در عملکرد نهادهای حمایتی است. هم این نهادها ضعیف عمل می‌کنند و هم اقدامات تشخیصی و تنبیهی برای مجازات افراد سلطه‌جو ضعیف است.»

وجود خلأ قانونی درباره آزاررساندن پدر

حسین مرادیان، وکیل پایه یک دادگستری، می‌گوید: «براساس ولایتی که پدر بر فرزند دارد، راجع به مجازات بعضی آزارهای پدر به فرزندانش، خلأ قانونی داریم و اهرم فشار قوی برای تکرارنشدن این آزارها از سوی پدر خانواده وجود ندارد. درواقع می‌توان گفت در این‌باره قانون‌های حمایتی داریم که بازدارندگی کافی ندارند؛ چنان‌که حتی در قتل عمد هم اگر پدر فرزندش را بکشد، قصاص نمی‌شود.»

او درباره حمایت قانون از این خانواده پس از آسیب‌هایی که دیده‌است نیز می‌گوید: «در این‌باره خیلی دست دادگاه باز نیست که این آقا همیشه در آن مرکز نگهداری شود، مگر اینکه مشکلات روحی و روانی‌اش به اثبات رسیده باشد. بنابراین یک راه این است که بچه‌ها با مادرشان زندگی کنند. چون مادر متارکه کرده است و پدر دیگر حق نزدیک‌شدن به او را ندارد. دختران هم از سن بلوغ رد شده‌اند و انتخاب با خودشان است که با پدر یا مادر زندگی کنند. بدین‌ترتیب اگر مشکل مالی نداشته باشند، فرزندان این اختیار را دارند که با مادر زندگی کنند. اگر هم پدر مزاحمتی ایجاد کرد، حق شکایت دارند. در این بین، حتی اگر پدر تمکن مالی برای نگهداری از فرزندانش را داشته باشد، باز هم بچه‌ها می‌توانند درخواست زندگی با مادر را داشته باشند و پدر باید نفقه بدهد. نفقه هم به پسران تا هجده‌سال و دختران تا زمانی که ازدواج نکرده‌اند، تعلق می‌گیرد.»

مرادیان همچنین اضافه می‌کند: «در این پرونده یا موارد مشابه، قضات می‌توانند از نظر مشاوران و متخصصان برای کمک بیشتر به این خانواده‌ها کمک بگیرند. در این پرونده هم مشاوران می‌توانند تشخیص بدهند که رفتارهای پدر قابل اصلاح نیست تا بتوانند او را برای همیشه از زندگی، ملاقات و حتی نزدیک‌شدن به فرزندانش منع کنند. این روند در کشورهای غربی هم اتفاق می‌افتد.»

●●●

درنهایت هنوز سؤال اینجاست که آیا این خانواده می‌توانند سرانجام روی آرامش را ببینند؟ آن‌ها فقط چندسالی است که با اعمال قانون، از شر آزاردهنده خلاص شده‌اند، اما هیچ تضمینی برای بازنگشتن پدر خانواده و درمان کاملش نیست. از طرفی، آن‌ها به حمایت‌های قانونی، روانی و حتی مالی نیاز دارند و حق دارند روزهای آرام و حال خوب و یک زندگی عادی بدون رنج و استرس را تجربه کنند.



عکس: سعید گل اشهرآرا

۸مصدوم و یک کشته؛ حاصل ۲سانحه رانندگی برای دانش آموزان در ۲۰ساعت

مرگ یک دانش آموز دیگر در تصادف

محمدجواد ابوعطا

خبر

ماجرای مرگ دل‌خراش سهیل و سپهر در سانحه رانندگی بولوار امامیه مشهد هنوز از ذهن شهروندان پاک نشده است که شامگاه دوشنبه حادثه مشابه دیگری، این‌بار برای سرویس دانش‌آموزان مدرسه استثنایی زمانیان گوارشکی در مقطع ابتدایی واقع در ابتدای چاهشک رخ داد و متأسفانه جان مهدی درودی، دانش‌آموز این سرویس را گرفت. حدود بیست ساعت بعد نیز امدادگران جمعیت هلال‌احمر شهرستان فیروزه در جریان یک سانحه رانندگی برای دانش‌آموزان در جاده نیشابور به سبزوار قرار گرفتند که بررسی‌های بعدی نشان داد این خودرو با تیر چراغ‌برق برخورد کرده است و چهار دانش‌آموز و راننده و دختر خردسالش مصدوم شده‌اند.

ماجرای تصادف شامگاه دوشنبه مشهد از آنجا آغاز شد که سرویس دانش‌آموزان در حال جابه‌جایی پنج دانش‌آموز بود. راننده پژو آردی در بزرگراه آسیایی مشغول رانندگی بود که ناگهان با یک تریلی حامل تیرآهن برخورد کرد. با اعلام حادثه به اورژانس و حضور پلیس در محل، چهار دانش‌آموز که دچار مصدومیت شده بودند، به بیمارستان طالقانی منتقل شدند. مدیرکل آموزش‌وپرورش خراسان‌رضوی نیز در واکنش به این سانحه رانندگی، با اعلام اینکه راننده تریلی حمل تیرآهن مقصر بوده است، به‌مهر گفت: «خوشبختانه با بهبود حال چهار دانش‌آموز مصدوم این حادثه به نام‌های یاسین صالحی، محمد علیجانی، مهدیار رفاهی و سجاد تیموری که زیرنظر و بستری بودند، با حال خوب و مساعد از بیمارستان طالقانی مشهد مرخص شدند.» سیدامیر شوشتری افزود: «خودرو سرویس مدرسه دارای برگه معاینه فنی و بیمه بوده و راننده سرویس کاملا طبق قانون مشغول فعالیت بوده است.»



عکس: شهرآرا

حادثه دانش‌آموزی در جاده

ماجرای حادثه تصادف یک خودرو سواری در محور نیشابور به سبزوار، ظهر دیروز به نجاتگران جمعیت هلال‌احمر شهرستان فیروزه اعلام شد. با حضور امدادگران در محل مشخص شد که این خودرو سرویس مدرسه بوده و قصد داشته است چهار دانش‌آموز دختر را پس از تعطیلی مدرسه به خانه‌شان برساند. بررسی‌های اولیه نشان داد که راننده سرویس نیز زن بوده و دختر خردسالش همراهش بوده است. در این حادثه چهار دانش‌آموز پانزده‌وشانزده‌ساله همراه با راننده و دخترش راهی بیمارستان شدند. منابع پزشکی از وخیم‌بودن حال دختربچه خبر دادند. مدیرعامل جمعیت هلال‌احمر خراسان‌رضوی درباره این حادثه به خبرنگار ما گفت: «این دانش‌آموزان پس از تعطیلی مدرسه‌شان به سمت بخش میان‌جلگه در حرکت بوده‌اند که خودرو به دلایلی نامعلوم حوالی روستای شهرآباد با تیر چراغ‌برق برخورد کرده است.»

محسن ذاکریان ادامه داد: «نجاتگران جمعیت هلال‌احمر ابتدا به تثبیت وضعیت مصدومان اقدام کردند و در ادامه سه مصدوم با بالگرد، یک نفر با آمبولانس هلال‌احمر و دو مصدوم نیز با آمبولانس اورژانس به مراکز درمانی منتقل شدند.»

جدول ۳۶۷۳

